

درپچه

بازگشت حق اشتراک کسانی که موفق به مشاهده کنسرت همایون شجریان نشدند

● ایسنا؛ مبلغ حق اشتراک به حساب کاربرانی که حق اشتراک ویژه برای تماشای کنسرت آنلاین همایون شجریان خریداری کرده، ولی موفق به مشاهده کامل برنامه نشده‌اند، با دستور مدیرعامل ایرانسل، بازگردانه می‌شود.

ایرانسل، با انتشار اطلاعیه‌ای، ضمن اعلام ادامه بخش مجدد کنسرت آنلاین همایون شجریان تا روز ۱۳ خرداد طبق برنامه از پیش اعلام‌شده، از برگردانده‌شدن مبلغ حق اشتراک به حساب کاربرانی که حق اشتراک ویژه خریداری کرده، ولی موفق به مشاهده کامل برنامه نشده‌اند، خبر داد.

در این اطلاعیه آمده است:

پخش زنده کنسرت «سیم و صل» جناب آقای همایون شجریان، خواننده محبوب موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی تلفیقی که از ساعت ۲۱ یکشنبه ۴ خردادماه ۹۹، از اپلیکیشن تلویزیون تعاملی لنز ایرانسل آغاز شده بود، با استقبال پرشور علاقه‌مندان به هنر و موسیقی همراه شد و رکورد بیش از ۷۱۰ هزار بیننده آنلاین برای پخش زنده این کنسرت به ثبت رسید.
علاقه‌مندانی که به دلیل استقبال گسترده، موفق به مشاهده کامل برنامه به صورت زنده نشده‌اند، می‌توانند طبق اعلام قبلی، بازپخش آن را از روز ۱۳ خرداد در اپلیکیشن لنز نسخه تحت وب لنز به نشانی lenz.ir مشاهده کنند.
با تکمید مجدد بر عدم انجام بلیت‌فروشی برای این کنسرت و صرفا دریافت حق اشتراک اپلیکیشن برای کاربران غیرایرانسی، ضمن دلجویی از برخی هواداران جناب آقای همایون شجریان که به دلیل استقبال گسترده، موفق به تماشای کنسرت به صورت زنده نشده‌اند، اعلام می‌دارد که به مناسبت عید سعید فطر و با دستور دکتر بیژن عباسی‌آرند، مدیرعامل ایرانسل، مبلغ حق اشتراک به حساب کاربرانی که حق اشتراک ویژه خریداری کرده، ولی موفق به مشاهده کامل برنامه نشده‌اند، بازگردانده می‌شود.
ایرانسل ضمن سیاست از تمام هواداران، فرهنگ‌دوستان و علاقه‌مندانی که در این پروژه بزرگ شرکت کردند، ابراز امیدواری می‌کند که تجربه‌ها و نتایج بزرگ حاصل از اجرای این پروژه، به‌عنوان بزرگ‌ترین کنسرت آنلاین ایران، موجب توسعه، بهبود و ارتقای هرچه بیشتر کیفیت زیرساخت‌های داخلی پخش آنلاین ویدئو شود.

فراخوان ساخت مینی‌سریال با موضوع «همدلی در مقابل کرونا»

● مهدی عظیمی‌میرآبادی، مدیرعامل انجمن سینمایی انقلاب و دفاع مقدس، از انتشار فراخوان فیلم‌نامه و طرح مینی‌سریال با موضوع کمک مؤمنانه و حضور همدلانه مردم و بسیجیان در مبارزه با ویروس کرونا خبر داد. او دراین‌باره گفت: انجمن قصد دارد با حمایت و پشتیبانی بنیاد فرهنگی روایت فتح، مینی‌سریال‌هایی داستانی با موضوع کمک مؤمنانه و حضور همدلانه مردم و بسیجیان عزیز در مبارزه با ویروس کرونا تولید کند.
ازاین‌رو تصمیم گرفته شد تا از طریق فراخوانی مبنی‌بر ارسال طرح و فیلم‌نامه آثار تولید و در رسانه‌های تلویزیونی و VOD به نمایش گذاشته شوند.
عظیمی با اشاره به زمان محدود و شاخصه‌ای انتخاب آثار نیز گفت: زمان بسیار محدود است و حداکثر تا تاریخ ۱۲ خردادماه نوبسندگان کارگردانان و تهیه‌کنندگان محترم فیلم و سینما فرصت دارند تا طرح یا فیلم‌نامه‌های خود را برای انجمن به آدرس تهران، میدان آرژانتین، خیابان بخارست، خیابان هشتم، پلاک ۱۶ طبقه سوم یا در فضای مجازی به شماره ۰۹۱۲۴۳۳۶۰۹۱۲۴۳۳۶@chmail.ir و آدرس azimi@chmail.ir ارسال کنند تا اقدامات لازم صورت بگیرد.
مدیرعامل انجمن سینمایی انقلاب و دفاع مقدس تاکید کرد: توصیه فراگیری، محتوا، کیفیت فنی و هنری و جذابیت، بی‌تردید از شاخصه‌های مهم و تاثیرگذار انتخاب آثار خواهند بود.
من توصیه می‌کنم هنرمندان ارجمند هم پیش از ارسال، آثارشان را ثبت کرده‌تا با خیال راحت‌تر در این فراخوان شرکت کنند.

برگزاری نمایشگاه مجازی آثار هنری

● مهر: نمایشگاه مجازی آثار هنری با مشارکت تعدادی از گالری‌های تهران به مناسبت روز جهانی سوزره در صفحه اینستاگرام «ایکوم ایران» تا ۱۰ خردادماه برپاست.
فراخوان این نمایشگاه با موضوع «هنر برای برابری، تسوع و فراگیری» و «میراث فرهنگی ملموس، نانلموس و طبیعی ایران» اعلام شده بود.
در این نمایشگاه ۲۲ آثار از ۱۰ کارگر و ۱۵ اثر از ۱۰ هنرمند مستقل به نمایش گذاشته شده است.
گالری‌های ویستا، اثر، تم، شیث، آرت‌سنتر، احسان، شلمان، شیرین، فرمانفرما، اتشرواد، محسن، هور، دستان، ماه، گلستان، ا. شهرویز، ایده، سلیک و … در این نمایشگاه که از ۴ تا ۱۰ خردادماه برقرار است، آثاری ارائه کردند.
گالری آرت‌سنتر در این نمایشگاه با ارائه آثاری از بزرگان هنر مانند احمد اسفندیاری، ناصر اویسی، محمدعلی ترقی‌جاه و پرویز کلاتری شرکت کرده است.
همچنین گالری احسان با اثر حمید محمد حسین‌زاده‌هاشمی و گالری ویستا با ارائه آثار ستاره حسینی و طیبه دزدوست در این نمایشگاه مشارکت دارند.

گروه هنر: سریال «سرباز» تازه‌ترین اثر هادی مقدم‌دوست، در جدول پخش ماه مبارک رمضان قرار گرفت؛
سریالی که از نخستین روزهای پخشش واکنش شد متفاوتی به همراه داشت. مخالفانش معتقدند در نسل قصه را در تعداد قسمت‌های کمتری روایت کرد و نیاز به حضور شخصیت‌های فرعی متعدد نداشت یا استفاده زیاد از نریشن، مخاطب را از دنبال‌کردن این سریال منصرف می‌کند.
برخی دیگر نیز عکس این نظر را دارند و سریال «سرباز» را ادامه آثار نوشتاری سابق مقدم‌دوست می‌دانند و به نوعی این سلیقه‌را می‌پسندند.گفت‌وگو دربارهٔ زوایای مختلف این سریال از چرایی طولانی‌شدن زمان تولید آغاز و به تحلیل شخصیت‌های این سریال ختم شد.

آنتونیا شرکا (متنقد): در طول این سال‌ها چه زمانی که فیلم «سر به مهر» را کارگردانی کردید و چه زمانی که در کنار حمید نعمت‌الله فیلم‌نامه می‌نوشتید، از مخاطبان آثار شما بودم و با علاقه بگیری می‌کردم. اما چطور شد در سال‌های اخیر حداقل بعد ازسریال«وضعیت سفید» و کار مستمر در سینما، بار دیگر به تلویزیون برگشتید؟ ماجرای سریال «سرباز» از کجا شروع شد؟

هادی مقدم‌دوست (کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس): داستان ساخت سریال «سرباز» به سال‌ها قبل برمی‌گردد. این‌قدر وقت‌نگی است که فراموش کردم شروع ماجرا دقیقا از چه سالی بود. برای ساخت این سریال سال ۹۲ با آقای شفیع (تهیه‌کننده) قرارداد بستیم. فکر می‌کنم نگارش هسته اولیه هم‌زمان با ساخت «وضعیت سفید» بود. سال ۸۵ یا ۸۶. همان سال‌ها به پیشنهاد آقای ایرج محمدی و مهراں مهم صحبت کرده بودیم که فیلم‌نامه‌ای دربارهٔ سربازی بنویسیم که متوقف شد و بعد ساخت «وضعیت سفید» شروع و بعد از آن نگارش سریال «سرباز» هم دوباره شروع شد. یعنی سال ۹۲... بعد از اینکه من سر به مهر را ساختم... و بعد از چند سال‌که کارهای دیگر انجام دادیم، سال ۹۷ تا به امروز مراحل نگارش قصه، پیش‌تولید، تولید و پس‌تولید سریال زمان برد.

● **از ابتدا مشخص بود قرار است نیروهای مسلح هم در تولید این مجموعه مشارکت داشته باشند؟ یا بعد به واسطه اینکه موضوع مرتبط با نیروهای مسلح بود، به این نتیجه رسیدید؟**

هم‌زمان با شروع تولید و خیلی بعدتر اتفاق افتاد. درست وقتی که پیش‌تولید را شروع کردیم، نیروهای مسلح هم به پروژه اضافه شد.
قصه دارم از این پرسش به این نتیجه برسم که وقتی فیلم‌نامه نوشته شد، موضوع ملودرام با عشقی بین یک زوج جوان در اولویت بود یا اینکه تم سربازی و مشکلاتی که طی دوره سربازی برای یحیی ایجاد می‌شود، اولویت داشت؟ کدام یک وزن بیشتری داشت؟

در مراحل اولیه، وزن سربازی بیشتر بود. اما به مرور به این نتیجه رسیدیم که باید روی دو شخصیت اصلی زن و مرد تمرکز شویم. طرح اولیه قدری شمایل ایپزدویک داشت و ما می‌خواستیم که یک کار یکپارچه انجام دهیم، در طراحی و اتودهایی که می‌زدیم به یک زوج رسیدیم که روابط بین این دو را تحلیل کردیم؛ بخشی از مسیر را در سریازی طی کنیم. همان‌طور که الان هم می‌بینید، در چند قسمت اول اصلا از سربازی خبری نیست و بعد با یحیی و شهاب وارد سربازی می‌شویم و باز قصه‌ای که بین یحیی ویلدا وجود داشت، همچنان دنبال می‌شود.
قصه داشتیم بیشتر به شکل مفهومی به سربازی تحت عنوان مفهوم «خدمت» نگاه کنیم. همان‌طور که یکی از اسامی سربازی، خدمت است. این موضوع بیشتر تبدیل به یک محتوا شد تا پرداختن بیشتر به فضای سربازی.

● **درواقع به شکل ارزش به این موضوع نگاه کردید؟ بله. خدمت مفهوم و اتفاقی است که در کار نیروهای مسلح هم رخ می‌دهد و تجلی پیدا می‌کند. همان‌طور که این مفهوم در پزشکی رخ می‌دهد و تجلی پیدا می‌کند، یا هر شکل دیگری که استعداد عینی‌کردن مفهوم خدمت را دارد. اما چون نسبت صوری و عنوانی بین مفهوم خدمت و خدمت سربازی وجود داشت، می‌شد از این مفهوم کاملاً مبتنی و متکی به رخدادهای یکپارچه کنیم.**

● **از ابتدا برای ساخت پنجاه و یک قسمت برنامه‌ریزی کرده بودید؟ یا اینکه بعد به این نتیجه رسیدید؟ چون خاطرهم هست «وضعیت سفید» چهل و دو قسمت بود. موضوع اینجاست که سریال «سرباز» ارتباطی با ماه رمضان ندارد، مقصودم این است که قرار نبود به نیت ماه رمضان ساخته شود. بنابراین ایجاد ندارد که در سعی روز پخش نشود. اما چرا پنجاه و یک قسمت؟ شاید می‌توان این را به عنوان یک انتقاد مطرح کرد؛ اینکه اگر سرباز در شب ماه رمضان پخش می‌شد و معیار ماه رضانی به آن می‌دادید و جمع‌وجورتر پخش می‌شد، شاید اتفاق بهتری می‌افتاد. اما آیا دلیلی برای ساخت پنجاه و یک قسمت وجود داشت؟**

یکی از دست‌ورکارهایی که برای این سریال داشتیم نمایش تغییر و تحولات و ارتقای درونی آدم‌های سریال و به‌خصوص دو شخصیت اصلی بود... ما به عنوان نقش‌های اصلی زن و مردی را داشتیم که با هم متفاوت بودند اما طی دوران ماقبل سربازی و در بخشی از دوران سربازی باید یکی می‌شدن و نقش‌های فرعی هم بودند که برای آنها آغاز و انجام طراحی شده بود. جنس این دگرگونی‌ها همان‌طور که عرض کردم، درونی بود. خوب، هم تعداد شخصیت‌ها زیاد بود و هم دوران سربازی دو سال طول می‌کشد و ما می‌خواستیم این تغییرات طی دوران اتفاق بیفتد. طبعاً این دست‌ورکار احتیاج بیشتری به زمان دارد. زمان اولیه ما چهل قسمت بود اما غالباً فیلم‌نامه چند قسمت بیشتر می‌شد و غیر از آن جنس کار بخش‌های دیگری را هم به متن اضافه کردیم. مثل پرداختن به مناطق سیل‌زده یا قصه‌هایی که مربوط به امکان مهارت‌آموزی حین خدمت وظیفه‌است که مربوط به خدمات و سرویسی‌است که جدیداً توسط نیروهای مسلح به سربازان داده می‌شود و سربازان در دوران خدمت امکان این‌ را دارند که مهارتی یاد بگیرند یا از مهارتی که دارند استفاده کنند. روی‌هم‌رفته کم‌کم کار شد

هنر



غلامرضا سهندی‌نیک، شرق

گفت‌وگوی آنتونیا شرکا با هادی مقدم‌دوست به بهانه پخش سریال «سرباز»

در ذهن آدم‌ها چه می‌گذرد؟

حدود پنجاه قسمت.

● **یک‌سری از مؤلفه‌ها ویژگی‌س کارگردانی‌سای فیلم‌نامه‌نویسی شماست. مثلاً نریشن‌ها و مونولوگ‌ها و گفت‌وگوهای درونی که در شخصیت‌ها وجود دارد و ما از این طریق می‌توانیم با تردی‌ها و دل‌نگرانی‌ها و احوالات‌شان آشنا شویم. این موضوع یک جور تیغ دو لب است. یکی از محاسن این روش این است که به مخاطب امکان می‌دهد تا درون شخصیت‌ها راه پیدا کند؛ ولی مشکلش این است که سریال تا حد زیادی رنگ‌وبوسی ادیبانی پیدا می‌کند و گاهی مخاطب از خودش سؤال می‌کند که چرا الان باید اینجا را بشنوم؟ کم نیستند اطلاعاتی که در مونولوگ‌ها گفته می‌شود و بعد به‌زودی می‌بینیم در دنیایوگ‌ها می‌شویم. به نظر می‌رسد این حجم از گفت‌وگوی درونی روند داستان سنگینی می‌کند. درعین حال دیدن پیامک‌ها یا صداهایی که برای هم ارسال می‌کنند، در نوع خودش جالب است. به نظر من این وضعیت به زندگی روزانه و عادی ما بسیار نزدیک است؛ چراکه در واقعیت هم گاهی پیش می‌آید که با شخص‌زد دیگری صحبت می‌کنیم و هم‌زمان پیامک هم می‌فرستیم و مجبوریم روی یکی از این‌دو تمرکز کنیم. این نقد نیست که چرا وقتی شخصیت‌های سریال با هم حرف می‌زنند، درعین حال پیامک‌هایی‌را هم که برای یکدیگر می‌فرستند، می‌بینیم؛ اما فکر می‌کنم این حجم از نریشن، مونولوگ و پیامک به‌نوعی مخاطب را بمباران اطلاعاتی می‌کند. در فیلم «سر به‌مهر» چنین تجربه‌ای داشتید و بسیار متفاوت بود؛ اما در این سریال انگار کمی زیادی پررنگ است. در مدیومی که ادیبانی هم نیست، چه کاربری‌ای برای نریشن‌ها یا پیامک‌ها مدنظرتان بود؟**

برای پاسخ عمده‌ترین تعبیری که می‌توانم به کار ببرم، تعبیر «روایت» است. سؤال این است: اگر بخواهیم چیزی را تعریف کنیم، چطور آن را روایت می‌کنیم؟ یعنی اگر من بخواهم الان برای شما قصه‌ای تعریف کنم، چه چیزهایی می‌گویم؟ آیا فقط رویداد و رخداد محض را برای شما تعریف می‌کنم؟ یا اینکه دربارهٔ آدم‌ها هم حرف می‌زنم یا حتی نظرم را دربارهٔ رویدادها هم می‌گویم؟ در ادبیات کلاسیک خوندان می‌بینید یا مثلاً در شعر هم می‌بینید، حکایت‌ها همراه با یک راوی است و حکایت‌ها همراه با اظهارنظر راوی یا توصیفات او است. این امکانات روایت است؛ یعنی شما بسته به اینکه نامحسب داشته باشید یا نداشته باشید، از امکاناتی برای روایت استفاده می‌کنید. اگر قصه کاملاً مبتنی و متکی به رخدادهای باشد یا اصلاً حاخ‌حانه‌محور باشد، خیلی مناسبیتی ندارد که از راوی یا نریشن نریشن استفاده کنید. سؤال اینجاست که کجا استفاده از نریشن مناسب‌تر دارد؟ جواب این سؤال می‌تواند این باشد. جایی که قصد داریم احوالات آدم‌ها را ببینیم؛ یعنی در نقل‌های شخصیت‌محور. در نقل‌های کنش‌محور، رخدادمحور و ماجراجویی، خیلی نیازی نیست از نریشن استفاده کنیم. در چنین مواقعی کنش‌های بیرونی از آدم‌ها می‌بینیم؛ اما در قصه‌های شخصیت‌محور که مثلاً قصد دارید آدمی یا رابطه‌ای را تحلیل کنید یا تغییرات افراد را ترسیم کنید، از این مونولوگ یا راوی استفاده می‌کنید. حالا وقتی اثری چند شخصیت دارد و همهٔ آنها در مطالعه‌ما لحاظ شده‌اند و برای خودشان مسیرهایی دارند، همهٔ آنها نیاز به این نریشن دارند. پس میزان نریشن‌ها، به تعداد شخصیت‌ها بالا می‌رود و حالا راوی کمک می‌کند که ما زمان‌مان را صرف ساختن قصه‌هایی نکنیم که با یک جمله می‌توان آن را توضیح داد. مثل این جمله که «مادر، مهارت حل اختلاف نداشت»؛ راوی با گفتن این جمله، روایت را از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر می‌رساند. اگر اطلاعاتی را که راوی می‌دهد، تبدیل به تصویر کنیم، نشان‌دادن مسیر دگرگونی‌مادر زمان زیادی می‌برد و در اینجا گفتن نریشن، خود حکم ایجاز را دارد. از زاویه دیگر راوی کمک می‌کند به اینکه تماشاجی کار بخش‌های بیشتری آشنا شود؛ همان کارهایی که راوی در ادبیات کلاسیک ما انجام می‌دهد. شرح می‌دهد، وصف می‌کند. نکته می‌گوید یا حتی فرارهایی از قصه را می‌گوید تا کارهای ساده‌تری مثل اینکه بگوید: چند ماه گذشت. این موضوع خودش یک فرم تشکیل می‌دهد. دربارهٔ پیامک‌ها و این بازی شکستن زمان هم بخشی‌اش شیوهٔ روایت است. در این روزگار پیامک خواندن برای ما کار راحتی

تکلیفش با خودش روشن است. اوج تردیدش این است که پیامک را بفرستم یا نه؟ به نظر خیلی حساب‌شده‌گرم پیام دارد. من این جنس از زن‌ها را می‌شناسم و فکر می‌کنم به‌ویژه در نسل جدید این آدم برای من ملموس‌تر است تا کسی مثل یحیی. شاید یحیی در نسل من افرادی هستند که به جبهه می‌رفتند و آرزوی می‌کردند شهید شوند و همه چیز در دفاع از ملت و وطن بود و این آرمان‌خواهی موضوعیت داشت. این شکل از آدم‌ها برای من ملموس‌تر است. حالا اینجا در قالب خدمت‌نظام و خدمت مدنی حداقل در شرایط صلح ظهور پیدا می‌کند؛ اما احساس می‌کنم یحیی انگار در این دنیا نیست، نه از این جهت که قصد خدمت‌کردن دارد و بگوییم هرکسی قصد خدمت‌کردن دارد در این دنیا نیست؛ به این دلیل که درست متوجه نمی‌شویم بالاخره چه می‌خواهد؟ تحصیلش را در سایه قرارداد برای اینکه به خدمت نظام برود. مخاطب با خودش فکر می‌کند طبعاً اگر تخصص قبول نشود، طبیعی است گزین‌های جز اینکه به سربازی برود ندارد. من این‌همه خشم و ناراحتی پیدا را متوجه نمی‌شوم. به‌هرحال یحیی با باید تخصص بخواند یا سربازی را انتخاب کند؛ از این دو حالت خارج نیست؛ بنابراین این‌همه دگرگبری از جانب پیدا لازم نبود. حالا خدمت نظام رفته است. این آدمی که این‌قدر آنگار‌مان و انسان دوست است، درک نمی‌کنم چرا الان باید پیدا پیام‌های‌ما را پاک نکنیم. می‌توانیم یک رابطه را مرور کنیم و ببینیم که چقدر پیام‌ها شاداب و پرحوصله بوده و بعد از گذشت چند ماه پیام‌ها عیوس و بی‌ررق شده یا برعکس. این پیام‌ها انگار که کام‌بندی و درجه‌بندی و روایت‌کردن یک رابطه است. این هم باز یک کار ذوقی است. بخشی از روایت زندگی‌ما در پیامک‌های ما خلاصه می‌شود. حتی براساس آن می‌توان یک رمان نوشت. مثلاً فرض کنید رابطه‌ای که پنج سال در آن رابطه پیامکی هم بوده، تمام این پیامک‌ها را در صفحاتی منعکس کنید و صفحه‌بندی کنید. این می‌تواند یک رمان باشد. این رابطه خودش یک نوع روایت است.

● **فکر می‌کنم که ساختید یا فیلم‌نامه‌هایی که در نگارش آن سهمیم بودید. روایتگر یا زبان گویای آدم‌های ضعیف و مردم هستند. هرچند که در این‌میان غلبه را با زنان می‌دانم؛ اما بحث را محدودتر می‌کنیم. تصویر آدم‌هایی که انکرا جوان هستند. می‌خواهند به‌نوعی خودشان را پیدا کنند. غالباً آدم‌های ضعیفی هستند و دغدغه‌های زیادی دارند. آیا این تعلق خاطری که به این نوع روایت دارید یا علاقه‌ای که به انتخاب این‌د آدم‌ها به‌عنوان شخصیت‌های فیلم‌نامه دارید. غلش این است که خود شما این دوره‌ها یا مراحل را در زندگی خصوصی تجربه کرده‌اید؛ بنابراین برای شما ملموس است و دوست دارید دربارهٔ آن صحبت کنید؟ یا اینکه در محیط اطراف‌تان این آدم‌ها زیاد بودند یا اینکه فکر می‌کنید در این دوره و زمانه، نسل جوان ما با این موضوع کشمکش دارند و خوب است تا شخصی‌زبان آنها باشد؟**

اصلی‌ترین نکته‌ای که می‌توان در پاسخ به این پرسش گفت این است که اصولاً آدم موجودی است که فکر می‌کند. پیش از اینکه دربارهٔ مرد یا مصمم‌بودن صحبت کنیم، این آدم‌ها کسانی هستند که فکر می‌کنند. من سال‌ها قبل فیلمی ساختم دربارهٔ تفکر؛ این فیلم درمورد پسر نوجوانی بود که اصلاً با مقوله فکرکردن آشنا نبود و کاملاً غریزی و بداهه رفتار می‌کرد. هیچ تصرف و احاطه‌ای بر عملکردش نداشت. واقعیت این است که این تصرف و احاطه بر عملکرد با تفکر اتفاق می‌افتد؛ با اینکه بفهمم چه کار می‌کنم. اینکه بفهمم چه می‌کنم، یک جور خودآگاهی و یک رویداد ذهنی است.

آدم‌های خیلی مصمم با خیلی مردم درگیر رویدادهای ذهنی هستند؛ یعنی یک اتفاق ذهنی برای آنها رخ می‌دهد که این‌کار را انجام بدهیم یا انجام ندهیم. تصمیم‌گیری وقتی در ترجیح نمود پیدا می‌کند، برخی اوقات ممکن است خیلی ساده از کنارش عبور کنیم؛ اما رویداد ذهنی همیشه برای ما در حال رخ‌دادن است؛ اینکه در ذهن با حجاب آدم‌ها می‌گذرد؟ بخش جذبات ماجرا غیر از اینکه تجربه زیست یا مشاهده‌من می‌تواند این است که علاقه‌مندم متوجه شوم در ذهن آدم‌ها چه می‌گذرد؟ این تلاش بی‌وقف‌های است که زمان ندارد. پیداکردن این پرسش‌ها، اصلاً آدم‌را وارد چنین موضوعاتی می‌کند. وارد حیطهٔ آدم‌هایی می‌شوی که از نظر ذهنی مسئله‌دار شده‌اند. اصلاً وقتی نگارش فیلم‌نامه را شروع



● **در فیلمی که ساختید یا فیلم‌نامه‌هایی که در نگارش آن سهمیم بودید، روایتگر یا زبان گویای آدم‌های ضعیف و مردم هستید. هرچند که در این‌میان غلبه را با زنان می‌دانم؛ اما بحث را محدودتر می‌کنیم. تصویر آدم‌هایی که انکرا جوان هستند. می‌خواهند به‌نوعی خودشان را پیدا کنند. غالباً آدم‌های ضعیفی هستند و دغدغه‌های زیادی دارند.**

می‌کنید، باید یک آدم مسئله‌دارشده پیدا کنید. کاری این مسئله بیرونی است مثلاً آدمی که تهدید به مرگ شده یا آدمی که از مرگ می‌ترسد. بنده روی این عبارت «آدمی که» تاکید می‌کنم... آدم شخصیت است و که ماجرا... که همان مسئله است... حالا این مسئله و اینکه می‌تواند بیرونی باشد، می‌تواند درونی.... حالا وقتی شما به این موضوع درون آدم‌ها علاقه‌مند می‌شوید، ناخودآگاه تأثیراتش را در فیلم‌نامه‌ها می‌بینید؛ برای مثال در«شعله‌ور» شخصیت اصلی درگیر حسد است. در«سر به‌مهر» درگیر مسئله ترس و جرئت‌ورزی است. در «وضعیت سفید» دچار خیال و شرم است. در «بی‌پولی» دچار کبر و تفاخر و ترس است...
● **در هفته اول و دوم پخش سریال بود که با خود می‌گفتم جالب است که با زنی مواجه می‌شویم که تکلیفش با خودش روشن است؛ چراکه در «آرایش لیلی» با خودش با زانی سروکار داریم که ضعیف هستند. نه به این معنا که وارد فضاهای فمینیستی بشوم و انتقاد کنم که چرا زنان را ضعیف نشان دادید، بلکه از این جهت که با زانی سروکار داشتیم که هر گامی برمی‌داشتند، زیاد فکر می‌کردند و مردد بودند. شاید خیلی وابسته و نیازمند بودند.**

● **بله؛ اما پیدا در سریال «سرباز» این‌طور نیست،**

زیر آسمان فیروزهای

نمایش ۱۶ فیلم جشنواره کارلووی واری در سینماهای چک

● پنجاه‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری در کشور جمهوری چک که در نهایت به سبب بحران جهانی شیوع ویروس کرونا تصمیم گرفت دوره سال جاری خود را برگزار نکند، فهرستی از ۱۶ فیلم از آثار پذیرفته‌شدهٔ سال جاری جشنواره را منتشر کرد که قرار است در ۹۶ سالن سینمایی این کشور به نمایش گذاشته شوند.

«یلدا» سومین ساخته بلند مسعود بخشی که در سال جاری به‌عنوان یکی از آثار بخش افق‌های این جشنواره انتخاب شده بود، یکی از ۱۶ فیلمی است که در برنامه نمایش ویژهٔ جشنواره کارلووی واری قرار گرفته است. این فیلم محصول مشترک ایران با فرانسه، آلمان، سوئیس لوکزامبورگ و لبنان به‌ تهیه‌کنندگی علی مصفا و مشارکت مؤسسه هنری مستقل بن‌گاه (مسعود و محمود بخشی) است. صدف عسگری، بهناز جعفری، بابک کریمی، آرمان درویش، فروغ قجابگلکو، فرشته حسینی، زکبه زهپهانی، حسن جودی، رامناو شاه، محمد ساریان، کمال هاشمی، بهرام افشار، فقیهه سلطانی و فرشته صدرعرفایی بازیگران فیلم «یلدا» هستند. «سرنشین» ساخته «گیلام براک» (فرانسه)، «دندان شیری» ساخته «شون مورفی» (استرالیا)، «داستان‌های بد» به کارگردانی مشترک «قاپو دنیوچنزو» و «دامیانو دنیوچنزو» (ایتالیا)، «اما» از «پاپولو لارین» (شیلی)، «هانی بوی» ساخته «آلما هارل» (آمریکا)، «شناسایی ویژگی‌ها»، از «فرناندا اولادز» (اسپانیا، مکزیک)، «کوپریک به روایت کوپریک» ساخته «گروزی مانرو» (فرانسه، لهستان)، «اقصر» به کارگردانی «زینا دورا» (مصر، بریتانیا)، «سکی» ساخته «سزیمون ساسرافانت» (چک، اسلواکی)، «Mogul Mowgli» از «بسام طریق» (بریتانیا)، «جاسوس» به کارگردانی «میت آلبردی» (شیلی، آمریکا)، «بروکسیما» ساخته «الیس وینوکور»، «سازم‌زین وحشی» ساخته «جنر نورال» (دانمارک) و «فرمیریکی» ساخته «اسکارا کریه» (اسپانیا) دیگر فیلم‌های منتخب جشنواره فیلم کارلووی واری هستند که از تاریخ سوم تا یازدهم جولای (۱۳ تا ۲۱ تیر) در سینماهای جمهوری چک به نمایش گذاشته می‌شوند.

«گرنش به حافظ»

به‌مرزهای آلمان رسید

● **مهر:** هادی مظفری، مدیرکل هنرهای تجسمی، گفت: «کوئتر اوکر هنرمند آلمانی مجموعه «گرنش به حافظ» را با برداشت از خاطرات سفر اول خود به ایران به وجود آورده و از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ در هشت شهر ایران از جمله شیراز، تهران، اصفهان، کرمان، مشهد، رشت، بوشهر و کیش به نمایش گذاشته است. اوکر پس از نمایش آتاراش در هشت شهر ایران تصمیم گرفت از هر شهر یک هنرمند را برای همراهی این پروژه هنری انتخاب و همراه نمایشگاه «گرنش به حافظ» از هر هنرمند یک اثر بخازند. او افزوده: پیش‌ازاین قرار بود نمایشگاه هشتم خرداد به آلمان برود و هنرمندان ایرانی نیز اوکر را در این رویداد همراهی کنند و در کنار آثارشان در اروپا در نمایشگاه حضور یابند؛ ولی به دلیل شرایط پیش‌آمده و موضوع همه‌گیری کرونا در دنیا نمایشگاه در تاریخ مقرر در آلمان برگزار خواهد شد؛ ولی بدون شرکت هنرمندان ایرانی. مدیرکل هنرهای تجسمی با بیان اینکه در زمان افتتاحیه نمایشگاه در آلمان اوکر و هشت هنرمند ایرانی به صورت لایو حضور خواهند داشت، گفت: این نمایشگاه هشتم خرداد مصداق ۲۸ خرداد ۲۰۲۰ در موزه گوته در دوسلدورف به نمایش درخواهد آمد؛ ولی هنرمندان ایرانی و اوکر از طریق فضای مجازی و به صورت لایو نمایشگاه را همراهی خواهند کرد. مظفری بیان کرد: به علت شرایط ترظینه در جای‌جای دنیا و شهر دوسلدورف، میهمانان برای مراسم حضور در آنجا و تمام آثار و تاور مجازی از نمایشگاه «گرنش به حافظ» از طریق رسانه‌های آلمان، اتریش و سوئیس به صورت زنده پخش خواهد شد. روزنامه‌ها نیز گزارش‌های مفصلی را از آثار حاضر در این نمایشگاه به‌ویژه آثار هشت هنرمند ایرانی تهیه و منتشر خواهند کرد. او دربارهٔ هشت هنرمند ایرانی حاضر در این نمایشگاه نیز گفت: مرتضی ترسلی از شیراز، محمدرضا بزدی از تهران، علی محبوبی‌صوفیانی از اصفهان، شهسپار رضایی از کرمان، بابک منتظری از مشهد، عارفه آزاد از رشت، فرزاد دشتی‌زاده از بوشهر و ندا آیتی از کیش با آثار حجم و اینستا‌لیشن در نمایشگاه «گرنش به حافظ» در اوکر آثار خواهند داشت. مظفری در پایان گفت: امیدواریم این نمایشگاه همراه هنرمندان ایرانی به تور دور اروپا برود و تمام علاقه‌مندان بتوانند از تماشای این آثار با موضوع حافظ لذت ببرند و علاوه بر ادبیات ایران‌زمین با آثار هنری هنرمندان معاصر ایران نیز از نزدیک آشنا شوند. نمایشگاه «گرنش به حافظ» کوئتر اوکر از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ در هشت شهر ایران به نمایش درآمده و اکنون هشت هنرمند ایرانی نیز این نمایشگاه را با آثارشان همراهی می‌کنند و این نمایشگاه در دور اروپا نیز به نمایش درخواهد آمد. نمایشگاه «گرنش به حافظ» هشتم خرداد (۲۸ می ۲۰۲۰) در موزه گوته شهر دوسلدورف به نمایش گذاشته می‌شود.